

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده و تحلیلگر: نظر محمد مطمئن

۰۶ دسمبر ۲۰۱۵

خبر مجروحیت و مرگ ملا اختر محمد منصور و اهداف پشت پرده

دشمنان صلح هر بار به خاطر جلوگیری از روند مذاکره های صلح برنامه های جدید و جداگانه ای را عملی می کنند؛ در شهر پاریس بعد از دیدار اشرف غنی و نواز شریف که در آن گفته شده بود، چین، پاکستان و حکومت افغانستان به خاطر آغاز مذاکره های صلح تلاش های مجدد شان را به راه می اندازند؛ دقیقاً يك روز بعد از این دید و بازدید روزنامه های دولتی کابل خبر حمله يك قومندان طالبان بر رهبر این گروه، جراحات و به تعقیب آن خبر مرگ وی را منتشر کرد که به زودی تیتراژ اول بسیاری از رسانه های داخلی و بین المللی گردید.

ارگ هنوز هم در این مورد سکوت کرده است؛ منظوم دفتر سخنگویان رئیس جمهور است، اما سخنگوی معاون اول رئیس جمهور به صورت مکرر در مورد مرگ ملا اختر محمد منصور خبر می دهد و اینک که خبر مرگ او را نیز پخش کردند؛ همچنان ریاست اجراییه هم در این مورد به نشر اعلامیه ای پرداخته و در آن به تأیید این رویداد پرداخته است.

مردم می دانند که معاون اول رئیس جمهور جنرال دوستم جنگ را بر صلح ترجیح می دهد و همچنان در مورد ریاست اجراییه هم گفته می شود که نسبت به صلح به جنگ میلان بیشتری دارد.

خبر مجروحیت و مرگ ملا اختر محمد منصور

خبرگزاری پژواک بر پایه گزارش رسانه ای خارجی نوشته که ملا میر خان متقی وزیر اطلاعات و کلتور دوران طالبان گزارش مجروحیت و مرگ او را در اثر زخم های عمیق تأیید کرده است. به تعقیب آن می نویسد که طالبان خبر مرگ ملا اختر محمد منصور را تأیید نمی کند. در اینجا ملا میر خان متقی را از طالبان جدا ساخته؛ یعنی این که نامبرده طالب نیست؛ اما باز هم همین رسانه های داخلی است که متقی را عضو شورای رهبری طالبان و رئیس کمیسیون فرهنگی آن می دانند.

ولی با این همه، بسیار شگفت انگیز است که ذبیح الله مجاهد که عضو کمیسیون فرهنگی است و تحت نظر مستقیم آقای متقی فعالیت می کند، اما رسانه های داخلی ما مجاهد را سخنگوی طالبان معرفی کرده و ابراز می دارند که این گزارش را تأیید نمی کند، اما سپس از قول متقی که رئیس همین کمیسیون است می نویسند که نامبرده خبر مرگ

رهبر شان را تأیید کرده است؛ به این معنا که رئیس کمیسیون و عضو کمیسیون دارای نظر همسان نیستند و با هم نظریات مخالف دارند.

طالبان با نشر اعلامیه ای ابراز داشتند که آقای **متقی** از ۱۴ سال به اینسو با هیچ رسانه ای مصاحبه ای انجام نداده است؛ هنگامی که طالبان **ملا اختر محمد منصور** را به عنوان رهبر شان برگزیدند، در گزارشی اسوشیتدپرس به نام وی مصاحبه ای نیز به نشر رسید که اصلاً از **ملا اختر محمد منصور** نبود و نه وی با آنها مصاحبه ای را انجام داده بود، آنها شخصی جعلی را به نام وی سراغ دیده بودند و همراهش مصاحبه انجام داده بودند، حال هم ممکن است که حلقات ویژه ای به نام **متقی** به کسی دستور داده باشد که در رسانه ها با استفاده از نام وی مصاحبه نماید.

شخصی به نام **محب الله** در صحبت با رادیوی آزادی به اندازه ای بی خبر است که می گوید این رویداد به وقوع پیوسته در **نوی کلی** حقیقت دارد، از این نیز اطلاع ندارد که رسانه ها محل واقعه را **کچلاغ** ذکر کرده اند. **نوی کلی** از ساحات مربوط شهر کویته است ولی **کچلاغ** از محلات بیرونی آن است؛ در جای دیگر ابراز می دارد که این افراد از طرف ما استخدام شده بودند، در حالی که طالبان به افراد خود به عنوان استخدام شدگان خطاب نمی کنند؛ همچنان وی می گوید که او قومندان فلان مقام است؛ در حالی که طالبان برای خود عنوان قومندان را به کار نمی برند بلکه می گوید اندیوال فلان و مسؤل دلگی و یا اندیوالان خود هستم.

این هم پرسش برانگیز است که این بار چرا به عوض دفتر سخنگویان رئیس جمهور، سخنگوی معاون اول این خبر را به دسترس رسانه ها قرار می دهد؟ این درست است که رئیس جمهور در خارج کشور مصروف سفر است، اما گروه سخنگویان وی باید مسؤولیت های وی را درک کنند.

تا به حال استخبارات کشور و پاکستان در تأیید مرگ **ملا اختر محمد منصور** یادآور نشده، بالاخره طالبان مجبور شدند که صدای رهبر خود را پخش کنند، سخنگوی طالبان در توئیتر خود نویسته که به زودی پیام رهبر طالبان پخش خواهد شد.

آیا مرگ رهبران به پایان مشکل می انجامد؟

پاکستان کشور معامله گر است؛ زمانی که روس ها از افغانستان برآمدند و حکومت **نجیب** با فروپاشی رو به رو بود؛ ما دیدیم که اکثر قومندانان برجسته مجاهدین در شهر کویته و یا پیشاور هدف قرار گرفتند و کشته شدند؛ در آن زمان نیز **همین نواز شریف** نخست وزیر پاکستان بود؛ همچنان پاکستان توانست که برخی از قومندانان را به بغاوت در مقابل رهبران شان وادارد و با آنها به طور مستقیم معامله نماید؛ در حال حاضر پاکستان نیز کوشش می نماید که در بین طالبان با افگندن نفاق برخی از قومندانان آنها را به خدمت گیرد.

اگر با مرگ رهبران این مشکل حل می شد، پس در ۳۷ سال گذشته، تمام موضوعات حل و فصل می شد، اما هر گاهی که رهبری کشته شده، جانشین وی به خوبی توانسته از عهده امور رهبری به درآید. در شرایط بسیار دشوار، پاکستان دو تن از رهبران مهم از طالبان **ملا عبیدالله** و **ملا برادر اخند** و شماری از قومندانان برجسته آنها را زندانی کرد، تا حدی که برخی از رهبران طالبان در زندان های پاکستان از اثر شکنجه های شدید جان شان را از دست دادند و شماری از آنها دچار مشکلات صحتی شدند، اما طالبان نه ضعیف شدند و نه هم به خواسته های پاکستان و حکومت افغانستان سر تسلیم نهادند.

ملا محمد عمر مجاهد که سمبول وحدت طالبان پنداشته می شد، بعد از مرگ وی پاکستان و حکومت افغانستان تلاش های مشترکی را به راه انداختند که طالبان را به دسته های مختلف تقسیم نمایند، اما آشکار گردید که بعد از ماه ها

حکومت پاک – افغان بر این مأمول دست یافتند که چند تن را تطمیع کرده و آنها جدائی شان را اعلان نمایند؛ در حالی که افرادی که در اوایل برگزیده شدن ملا اختر محمد منصور به حیث رهبر طالبان، به عنوان مخالفین یاد می شد، در گروه جدید حضور ندارند.

ملا محمد حسن رحمانی، ملا عبدالجلیل اخند، ملا عبدالرزاق اخند، ملا عبدالقیوم ذاکر، ملا محمد صادق اخند، مولوی محمد یعقوب فرزند ملا محمد عمر مجاهد، ملا عبدالمنان برادر ملا محمد عمر مجاهد، ملا محمد عباس اخند، سید محمد طیب آغا و شمار دیگری از افراد که گفته می شود ممکن گروه جداگانه ای را اعلان نمایند؛ دیده شد که از مقام های یادشده طالبان هیچ کدام از آنها اعلان مخالفت نکرده، شماری از ایشان خانه نشین و برخی از آنها با ملا اختر محمد منصور اعلام بیعت کردند.

خبر مجروحیت و مرگ ملا اختر محمد منصور و اهداف پشت پرده

۱ – این که حکومت افغان به تقویت مورال نیروهای امنیتی خود بپردازد و در چند ماه گذشته بر ناکامی هایش سرپوشی بگذارد.

۲ – اینک مسأله اختلاف بین طالبان را در افکار عامه تا حد یقین رسانده و آن را به اندازه ای برجسته سازد که تا سرحد حمله بر رهبر طالبان می رسد.

۳ – به آنده از طالبانی که زیر نام های مختلف خفه شده و یا با حلقات به تأمین ارتباط پرداخته اند، این پیام را برساند که آنها می توانند رهبر طالبان را هدف قرار دهند.

۴ – اینک گروه جدا شده از طالبان را قدرتمند جلوه دهد و در میان افراد طالبان باعث ایجاد تشویش ها و نگرانی ها شوند.

۵ – این که به جهانیان این پیام را منتقل سازد که رهبران طالبان اکنون هم در پاکستان به سر می برند و جامعه جهانی باید به برخی خواسته ها و ادعاهای حکومت افغانستان وقع نهد.

۶ – این که حکومت افغانستان با چنین پیام از پاکستان می خواهد اگر سران طالبان در خاک پاکستان حضور دارند، باید ترور شوند.

۷ – ممکن حکومت افغانستان با رضایت پاکستان به نشر این خبر پرداخته باشد، اکنون بهانه خوبی برای پاکستان دست می دهد و آن این که هر طالب را محکوم ساخته و ابراز نماید که جهانیان بر آنها بی باور می شود که طالبان در خاک پاکستان حضور دارند.

۸ – این که معاون ولسی جرگه بر شورای امنیت اتهام بسته که داعش از طریق این شورا تمویل و تجهیز می شود و اکنون آنها می خواهند مسیر رسانه ها و افکار عامه را منحرف سازند.

۹ – این که رهبران طالبان به انجام مصاحبه مجبور شوند و از این طریق محل های سکونت آنها را جست و جو نمایند؛ ممکن ملا اختر محمد منصور در محل نامعلومی به سر می برد.

۱۰ – خدشه دار ساختن حیثیت رهبر طالبان و این موضوع فوق العاده مهمی است؛ در حالی که در گذشته چنین تصور حتا پیدا نمی شد که قومندانی از این گروه بر رهبرش تیراندازی کند.

۱۱ – به منظور پائیدن نیروهای خارجی در افغانستان لابی گری برای جنگ داخلی، تا روحیه جنگ های داخلی تقویت گردد.

۱۲ - با چنین شور و غوغا نشر این خبر در رسانه ها، طبیعی است که تأثیرات خاصی بر روحیه مردمی و افراد طالبان دارد و باعث کاهش باور آنها می گردد و مردم عام فکر می کنند که طالبان نیز به خاطر منافع شخصی شان مبارزه می کنند، به خاطر کسب قدرت همدیگر را می کشند، مانند مجاهدین آنها هم منحرف می شوند.

۱۳ - به این ترتیب حکومت افغانستان به امریکا، ناتو و جهانیان نشان می دهد که حضور شان را در افغانستان باید تقویت بخشند، به نابودی طالبان قوت بخشیده، زیرا طالبان گروه گروه و تضعیف شده اند، طوری که يك مقام امریکائی ابراز داشته که جنگ افغانستان اکنون هم قابل برد است.

۱۴ - ممکن با فرارسیدن موسم زمستان حکومت افغانستان برنامه دارد که حملات شان را بر طالبان دوام بخشند؛ زیرا در گذشته طالبان در موسم زمستان به خانه های شان بر می گشتند، اکنون گفته می شود که آنها به خاطر حفاظت مناطق تصرف کرده، در منطقه باقی می مانند؛ با اعلان این خبر حکومت می خواهد مورال تعرضی اردو را قوت بخشیده و مورال دفاعی طالبان را تضعیف سازد.

خبرهای مشابه نادرست و از دست شانس صلح

محققان امریکائی به این باور اند که مرگ اسامه بن لادن و ملا محمد عمر مجاهد برای آنها مشکل زا گردیده است؛ لازم بود که آنها زنده اسیر می شدند؛ چیزی که امریکا و ناتو بر آن قادر نشدند؛ زیرا مرگ آنها به تقویت بیشتر حامیان آنها انجامید.

اگر ملا اختر محمد منصور به قتل برسد، ممکن باعث بروز مشکلات پیچیده دیگری گردد، ممکن آغاز مجدد مذاکره های صلح کار آسانی نباشد.

در گذشته ها نیز اخبار نادرستی به نشر رسیده که وجهه رسانه ها و حکومت افغانستان را مخدوش ساخته است اگر چنین اخباری با چنین قوت برنامه ریزی شده رسانه ئی به نشر می رسد، ممکن باور مردم را بر حکومت و رسانه ها بیش از پیش کاهش دهد.

در نزدیکی های نه چندان دور خیر مرگ والی کندز طالبان به نشر رسید، سال های قبل گفته شد که طالبان ۱۷ جوان را که در ولسوالی سنگین ولایت هلمند در محفل خوشی به رقص و پایکوبی پرداخته بودند، سر بریدند که بعداً چنین گزارشی به صورت کامل دروغ از آب درآمد؛ خبر جدا شدن طالبان به چندین گروه که شبکه حقایق گروهی جداگانه از آن تلقی گردید؛ مگر بعداً ثابت شد که چنین نبوده؛ این که دفتر قطر طالبان فاقد صلاحیت و از طالبان نمایندگی نمی کند، اما از سوی دفتر قطر مبادله يك سرباز امریکائی با پنج مقام اسیر طالبان در گوانتنامو صورت گرفت؛ این که طالبان در جاپان به صورت مستقیم با حکومت افغانستان به مذاکره پرداخت؛ در این کنفرانس بنده نیز حضور داشت، در حالی که چنین چیزی صورت نگرفت و این خبر نادرست بود؛ این که در مورد گرفتاری امیرخان متقی، ذبیح الله مجاهد و عبدالحی مطمئن در اوقات مختلف اخباری به نشر رسیده، این که با استفاده از نام ملا اختر محمد منصور شخصی مهمان کرزی در ارگ بوده و پول زیادی نیز به دست آورده و بالاخره قتل استاد ربانی به وسیله نماینده نامعلوم طالب.

از ایمیل آدرس ذبیح الله مجاهد شبکه های استخباراتی چندین مرتبه استفاده کرده و چندی قبل صفحه توئیتر وی نیز بلاک شد. اکنون که خبر مجروحیت و یا مرگ ملا اختر محمد منصور به نشر می رسد و در پیوند به مصاحبه ملا امیرخان متقی اشاره می شود، تا چه سرحد مورد باور و اعتماد خواهد بود؟

به امید این که دیگر بر شعله های جنگ بنزین ریخته نشود، به خاطر صلح واقعی برنامه هائی رویدست گرفته شود، انشعاب طالبان نه به منفعت طالب، نه حکومت افغانستان، نه پاکستان، نه هند، نه امریکا و نه هم مردم افغانستان بوده، به خاطر استقرار صلح صف متحد و واحد طالب یکی از لزوم دیدهای بزرگ است. حکومت افغانستان اگر متعهد به صلح نیست و اراده آن را ندارد، به مردم بدون کدام هراس ابراز کند که به خاطر بیگانگان جنگ را ادامه می دهد، طالب اگر آماده صلح نیست باید به مردم افغانستان بگوید که باردیگر در پی حکومت انحصاری است.

اگر این مرتبه شانس از دست برود، برخی از اطراف بر جنگ تأکید نمایند، تکرار اشتباهاتی است که حزب اسلامی در هنگام حکومت داکتر نجیب مرتکب آن شد و اشتباه حکومت آن وقت این بود که داکتر نجیب بالاخره به وسیله جنرال دوستم در دفتر سازمان ملل متحد پناهنده شد و از انتقال صلح آمیز قدرت جلوگیری شد، که اینک ما باز هم ۲۳ سال دیگر درگیر جنگ و منازعه هستیم.

اگر حکومت رئیس جمهور غنی با حکومت داکتر نجیب و حملات طالبان با حملات مجاهدین مقایسه شود، به صورت کامل تصویر تکراری همان دوره است، به امید این که طالب و غنی از تجربه و اشتباهات گذشته درس بیاموزند و باردیگر بحران خونین گذشته تکرار نشود.